



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۹۴

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه سه شنبه ۱۴ تیر ماه ۱۳۱۱ - ۳۰ صفر ۱۳۵۱

قیمت اشتراك سالانه داخله : ۱۰۰۰ ریال  
 خارجه : ۲۰۰۰ ریال  
 نك شماره : يك ریال

مطبعه مجلس

۵  
۴  
۳  
۲  
۱

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۴ تیر ماه ۱۳۱۱ (۲۰ صفر ۱۳۵۱)

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس  
 (۲) تصویب ۱ فقره سرشماری  
 (۳) اجازه الحاق به قرار داد ثانوی مال  
 (۴) اجازه الحاق لفظی بر قرار داد بین المللی امداد  
 (۵) اجازه مشارکت ایران در قرار داد تحدید انوی مخدره  
 (۶) شور دوم لایحه معافیت وسائط غلبه پادی از مالیات  
 (۷) شور و تصویب اجازه فروش املاک خاصه اطراف بل (ده)  
 (۸) تدبیر ۵ فقره لایحه از طرف آئی مالون وزارتخانه  
 (۹) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردید.

صورت مجلس روز سه شنبه هفتم تیر ماه را آقای مؤید احمدی (مثنی) قرائت نمودند. \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

ولیس - آقای امیر تیمور .  
 امیر تیمور کلالی - در صورت جلسه شدید بنده را  
 غالب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه در جلسه قبل بنده  
 حاضر بودم امدادم چرا اشتباه شده است .  
 ولیس - اصلاح میشود . آقای دبیر  
 مطابقتی دیا - قبل از دستور  
 ولیس - در صورت مجلس نظری نیست (خبر) صورت  
 مجلس تصویب شد . خاطر آقایان را بدو ملاحظه که  
 محل اعضاء میکند یادآوری میکنم و تذکر می شوم .  
 اولاً آقایانی که اجازه میخواهند برخیزند دست بلند  
 کنند و آقایانی که میخواهند صحبت کنند منحصرأ در  
 پشت منبر لفظ حرف بزنند . آقایان میخواهند در صف اول  
 یا بلافاصله پس از صف اول حرف بزنند (نمایندگان -  
 نمی شوم) سعی میکنم بلندتر عرض کنم آقایانی که  
 میخواهند اجازه بگیرند برخیزند و دست بلند کنند  
 آقایانیکه میخواهند صحبت کنند منحصرأ این جا صحبت  
 کنند آقایان مخبرین بلافاصله یاد صف اول جای بگیرند  
 [ ۲ - تصویب چند فقره مرخصی ]

\* عین مذاکرات مشروح نود و چهارمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)  
 دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شد . غائبین یا اجازه - آذینان ، تیمور تاش - میرزا سید مهدی  
 خان طائی - مرانی - آشتیانی - میرزا محمد تقی بروجرسی - مسعود ثانی - دکتر ضیائی .  
 غائبین بی اجازه - آذینان : کلبائی - فرام .  
 دیر آمده یا اجازه آقای دشتی ،  
 دیر آمدگان بی اجازه - آذینان : حاج میرزا حبیب الله امین - بوعلی - اسدی - امیر تیمور - مسودی - شریعت زاده

**رئیس** - چند نفره غیر باز از کمیسیون عراض و مرخصی رسیده است فرات می‌شود؛  
خبر مرخصی آقای فوجی؛

نماینده محترم آقای فوجی برای رسیدگی با مورد محلی از تاریخ دهم ارداد قاضای پنجاه روز مرخصی نموده‌اند. کمیسیون با یکماه از مدت مورد قاضا موافق و اینک خبر آرا تقدیم می‌دارد

**رئیس** - موافقین با مرخصی آقای تنوس قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. خبر دیگر راجع به مرخصی آقای فرشی فرات می‌شود؛

**خبر مرخصی آقای فرشی**  
نماینده محترم آقای فرشی بواسطه کسالت از تاریخ سیم ارداماد ماه ۱۳۱۱ قاضای پنجاه روز مرخصی نموده‌اند - کمیسیون با یکماه از مدت مورد قاضا موافق و اینک خبر آرا تقدیم می‌دارد

**رئیس** - آقای البر -

**البر** - عرضی ندارم ولی در این قسمت کسه می‌نویسد آقای فرشی به نسبت کسالت مزاج قاضای مرخصی نموده‌اند اگر کسالت مزاج ایشان را کمیسیون صدیق می‌کند دیگر نظر بنده ناشت ندارد که پنجاه روز مرخصی را بیشان ندهد و اگر صدیق نمی‌کند خوب است این عبارت را تویست لافلا بنویسند برای کارهای عادی و مطالب عادی است والا اگر بنا باشد این را بنویسند آتوق بنده مخالفم که پنجاه روز را ندهند و یکماه بدهند

**رئیس** - آقا نظران باشد آنت مطلبی را که یادآوری کردم اینجا تشریف یابورید برای صحبت کردن برای اینکه صفوف زیاد است

**البر** - بل فراموش شد.  
**رئیس** - آقای ملک مدنی.

**ملک مدنی** (رئیس کمیسیون عراض و مرخصی) عرض کننمبند که آدم این‌جا میخواهد یکن توضیحی بدهم که خاطر

حرف‌های و سایر آقایان متوجه‌شود (نماینده‌گان - بلند)  
عرض کنم کمیسیون عراض و مرخصی برای اینکه اکثریت در مجلس باشد مکلف است که حدتصاب مجلس را در نظر داشته باشد چرا برای این که بطوریکه مطلع هستید ما باهمان این است که امسال تعطیل نداشته باشیم و مهینه مجلس آماده باشد که در مواقعی که دولت احتیاج دارد لواجعی قدیم مجلس می‌کند بتواند انجام وظایف خود را بنماید علت اینکه ما یکماه مرخصی در نظر گرفتیم که برای آقایان تصویب شود این است که چون تعداد خاصی که مرخصی خواسته‌اند خیلی زیاد است ما مستقیم و متاودر کردیم یک عده هستم که با کار محلی دارند یا محتاج به تعمیر آب و هوا هستند یا بنده باید مرخصی داد وقتی که مدت مرخصی را ندر کردیم نمی‌تواند همه آنها استاده کنند و آتوقت ناچاریم که یکماه مرخصی بدهیم و یکن عده مرخصی داده نشود ما آمیدیم وقتیم که یکماه مرخصی بنام آقایان نمایندگان داده‌شود که اگر چه نظر قاضای مرخصی کردند و ما نمیتوانیم بنام چهل نفر دوماه مرخصی بدهیم یکماه شود که تمام این چهل نفر بخواهد استاده کنند یعنی بست فر از مرخصی بدهیم این فری است که پروند به محضان سر یکماه بر کرده‌اند مجدداً با یکسند دیگری بدهیم آقای افسر در جلسه قبل یکن تذکری درج این تقصیم کمیسیون داده بنده خواست عرض کنم که این تقصیم کمیسیون از نقطه نظر ظاری خاصی نبوده است بلکه از نقطه نظر حفظ منافع عمومی مجلس بوده است که خودتان هم سهم و شریکانه متنبه ما نظرمان را است و البته اگر کسی مرض باشد و بتری باشد که قادر بحرکت نباشد هر چند هم مرخصی بخواهد مطابق جریبات و نظامانی که تا بحال بوده است البته مرخصی او را کمیسیون خوب می‌کند. آقای فرشی کسالت دارد و تعمیر آب و هوا خواسته‌اند بدهند بنده خودم از ایشان خواست کردم که با یکماه موافقت فرمایند ایشان هم موافقت کردند مقصود این است که آقایان باید این نکته را در نظر بگیرند که مجلس در این تابستان از اکثریت بقند و بواند در موافق خودش انجام وظیفه کند. نمایندگان - صحیح است

**رئیس** - آقایانیکه با مرخصی آقای فرشی موافقت قیام فرمایند  
(اغلب قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد. خبر دیگر راجع به مرخصی آقای مهدوی فرات می‌شود؛

**خبر مرخصی آقای مهدوی**  
نماینده محترم آقای آقا رضا مهدوی بواسطه کسالت قاضای هشتماه مرخصی نموده‌اند ( پنج ماه آن از تاریخ اول فروردین الی آخر ارداماد ۱۳۱۰ و سه ماه دیگرش از تاریخ اول مهر الی آخر آرد آد ماه ۱۳۱۰ می‌باشد و نیز مقرری ششماه از اینمدت راجع اختصاص بهصرف انابه مجلس مقدس داده‌اند لذا کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم می‌دارد.  
**رئیس** - آقای رحمانا.

**رحمانا** - یکی از رفقا سئوالی از بنده کردند کسه از جواب آن عاجز شدم و البته خود صاحب مرخصی یا مخیر آن جواب را بدهند که کسالت متاوب و فاسل‌ندار چطور شده بظهور رسیده بنده از این نقطه نظر مخالفت تمام مخالفت بنده برای این قسمتی است که تقصیر بدهنده برای انابه مجلس شورای ملی. مجلس نه تقیر است نه این بی‌ضاعت است نه این یک کار مهمی است که ما کرده‌ایم که در مجلس شورای ملی چیزی بدهیم بنابراین این را اگر یک دارالرضاعه یا یک مرضخانه یا یک کاجخانه اختصاص بدهند بهتر است نابه مجلس شورای ملی (صحیح است)

**رئیس** - عرض کنم همانطور که وکیل در حقوق خودش ذی‌حق است و نمی‌تواند کمیسیون را راجدوف کند و دیگری بدهد نظر آقای رحمانا را جلب می‌کند که وکیل در حقوق خودش آزاد است و از سرمایه خودش مانی و محظوری ندارد هر عرضی که میخواهد اختصاص بدهد. آقایان موافقت قیام فرمایند.  
(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. خبر دیگر راجع به مرخصی آقای امیر ابراهیمی فرات می‌شود؛

**خبر مرخصی آقای امیر ابراهیمی**؛  
نماینده محترم آقای امیر ابراهیمی برای رسیدگی با مورد محلی قاضای دو ماه مرخصی از تاریخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۱. نموده‌اند کمیسیون با یکماه از مورد قاضای موافق و اینک خبر آرا تقدیم می‌دارد؛

**رئیس** - آقایانی که با مرخصی آقای امیر ابراهیمی موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام کردند) (تصویب شد  
**۳ - اجاره الحاقی بقرار داد تعاون** |  
**رئیس** - خبر کمیسیون امور خارجه راجع بقرار داد تعاون ملی شور دوم مطرح است

**خبر کمیسیون**  
کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۵۳۰ دولت متعتم بقرار داد تعاون حالی متعتمه در زون را برای شور تانی مطرح نموده و چون اعتراضی در موقع شور اول در رسیده بود بین خبر اول را تأیید نموده و اینک آرا عبتباری تصویب تقدیم مینماید

**رئیس** - اعتراضی رسیده است بلاجمه ماده واحده را فرات می‌فرمایند و رأی می‌گیریم؛

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرار داد تعاون ملی مشتمل بر ۳۶ ماده را که در تاریخ دوم اکتبر ۱۹۳۰ میلادی مطابق با دهم مهرماه ۱۳۰۹ شمسی در زون باضاه رسیده است تصویب و بدولت اجازه میدهد لکسه صحه شده آرا بدارالانشاء جامعه ملل تسلیم نماید.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده واحده موافقت نظر دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد  
**۴ - اجاره الحاقی قطعی به قرارداد بین المللی امدها** |  
**رئیس** - خبر کمیسیون امور خارجه راجع بقرار داد بین‌المللی امدها مطرح است شور دوم

**خبر کمیسیون**  
کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۵۱۱ دولت متعتم بقرار داد بین‌المللی امدها را برای شور تانی مطرح نموده و چون اعتراضی در موقع شور اول رسیده بود لذا با ماده واحده پیشنهاد دولت موافقت نموده اینک عین خبر شور اول را برای تصویب تقدیم مینماید

درسی - عین ماده واحد قرائت میشود:

ماده واحد - مجلس شورای ملی الحاق قضای ابرار را برادر داد بین المللی امداد مشتعل بر بیست و یک ماده و همچنین باستانه انجاء بین المللی امداد مشتعل بر نوزده ماده که در تاریخ دوازدهم ژوئیه ۱۹۲۷ میلادی مطابق با بیستم سرطان ۱۳۰۶ شمسی در ژنو با امضاء رسیده تصویب و بدولت اجازه میدهد استناد بصرف آنها را بدارالافتاء جامعه ملل تسلیم نماید.

درسی - اعتراضی رسیده است. آقایانیکه باماده واحد موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

**[۲] - اجازة مشارکت ایران در قرارداد تجدید ادویه مخدره**

درسی - غیر کیسیون امور خارجه شور تانی راجع به تجدید ادویه مخدره قرائت میشود:

**غیر کیسیون**

کیسیون امور خارجه لایحه نمره ۵۶ دولت منضم برار داد تجدید ادویه مخدره منقده در ژنو رابری شور تانی مورد مطالعه فرار داده و چون اعتراضی در موع شور اول رسیده بود لذا با ماده واحد پیشنهادی دولت موافقت نموده اینک عین غیر شور اول و رابری تصویب تقدیم میدارد.

درسی - ماده واحد قرائت میشود:

ماده واحد - مجلس شورای ملی قرار داد تجدید ساخت و تنظیم توزیع ادویه مخدره را مشتعل بر سی و چهار ماده بنسبه پروتکل امضاء و سند اختتامیه که در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۱ مطابق با ۲۹ تیر ماه ۱۳۱۰ شمسی در ژنو با امضاء رسیده است تصویب و بدولت اجازه میدهد استناد صحت شده آنها را بدارالافتاء جامعه ملل تسلیم نماید.

درسی - اعتراضی رسیده است. آقایانی که با ماده واحد موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

**[۱] - خوددویر لایحه معالمت وسائط نقلیه بلدی (مالیات)**  
درسی - غیر کیسیون قوانین مالبه راجع به معالمت وسائط نقلیه بلدیه از تادیه مالیات شور دوم.

**غیر کیسیون**

کیسیون قوانین مالبه لایحه نمره (۲۳۶۱۱) دولکرا راجع بمعالمت وسائط نقلیه بلدیه از تادیه مالیات حق التبت برای شور تانی مطرح نموده و در نتیجه عین غیر تقدیمی شور اول را تصویب نموده و اینک غیر آرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

درسی - برای یادآوری ماده واحد و قرائت میکند: ماده واحد - ماشینهای آب پاشی و اطفاقیه و چاده کوب و سنگ شکن و اسفالت ریزی و جمله خصوص ساختمان خرابیهای خریداری بلدیه و همچنین راههای بلدی که زواله میگردند مطابق تشخیص وزارت مالبه از تاریخ اول فروردین ۱۳۱۰ از تادیه مالیات حق التبت معاف خواهد بود.

درسی - آغی دیبا

**حفاظتی دیبا** - بدیهی است که این لایحه فقط مربوط به بلدیه طهران نیست و امر از بلدیه مرکز و ولایات و ایالات است پس در اینصورت عقیده بنده این است که باید بلدیه ها نوشته شود و بعد اساساً منقده که این موافقت که دولت لایحه اتی را تقدیم کرده است چندان منطقی نیست حق التبت عاید خزانه میشود بلدیه یک مؤسسه ملی است که عوایدشان علیحده است و عوارضشان علیحده است و مربوط بجزانه دولت نیست و امر آنچه اطلاع دارم بلدیه ها یک عواید خوبی دارند و کفایت است بنده هیچ منطقی نمیدانم که دولت از خزانه خود حق التبتی که عاید خزانه دولت میشود بیاید این ماشین آلات را معاف کند یک چیزی که مؤسسه اتی علیحده است بودجه اش علیحده است مربوط بجزانه دولت نیست دولت نباید آنها را معاف کند محض اینکه سابقه شود. این نظر کلی بنده است عیالاً در این لایحه عرض میکنم خوب است که نوشته شود

**دوره هفتم جنبه قضایی**

**مذاکرات مجلس**

بلدیه ها که امر از بلدیه مرکز و بلدیه های ولایات باشد.

درسی - آغی اورنگ

اورنگ - غیر عائلتم

درسی - آغی مؤید احمدی

**مطلب احمدی** - محاضره که آغی دیبا فرمودند بنده عقیده ام این است که بلدیه ها چون عواید مخصوص دارند و مالیاتهای مخصوص بر حسب اجازه داده مجلس شورای ملی باینجن بلدیه های مرکز و ایالات و ولایات داده است یک مالیاتهای وضع کرده اند که کراف هم هست اصفا مثل مالیات خانه ها که هرصد اجرا هستند و البته یک مالیات خلی کرافتی است چه ضرر دارد که آنها هم مالیات بدهند و محاضره که سایر وسائط نقلیه مالیات میدهند آنها هم مالیات بدهند بلدیه ها یک مؤسسه ایست که معالمت شهری داره بشود نه معالمت دولتی اگر معالمت دولتی اداره میشعاین یک چیزی بود این جنب و آن جنب بود فرق نمیکرد لکن چون مالیات مخصوصه نمیکرد و مالیاتهای وضع میکنند از این جنبه باید بدهد ببقیده بنده و اما اشکال دوم بنده چون کسی از طرف دولت نیست اینجا دفاع کند خواهش می کنم آغی غیر کیسیون قوانین مالبه اگر تشریف دارند اینرا بده جواب بدهند. این قانون را ما که تصویب میکنیم فروردین ۱۳۱۱ تصویب میکنیم که از فروردین ۱۳۱۰ ژئن تکلیف سال مالی ما منقض شده است دیگر دو ماه بد از نوروز بر حسب قانون محاسبات عمومی حساب سال مالی بسته شده است آنوقت این پول را گرفته اند از بلدیه یا نگرفته اند اینرا باید فهمید اگر گرفته اند داخل خزانه دولت شده که حساب مالی ۳۱۰ البته شده دیگر هیچ عنوان نمیشود این پول را پس بگیرم مرکز قانونی وضع شود بر خلاف قانون محاسبات عمومی که ما بدویم حساب بسته شده سال قبل را محاسبات برادریم آنوقت نمکی است لطمه بزیم قانون محاسبات عمومی والا وقتی که بقیده بنده مطابق قانون محاسبات عمومی حساب سال

۱۳۱۰ بسته شده دیگر نمیتوانم آن پول را پس بدهیم مگر اینکه نکرته باشند بلی اینرا میتوانند جواب بدهند که مالبه نکرته است و حالا عفو میکند و ذمه آرا بری میکند این ممکن است خوب است یک توضیحی بدهند

درسی - آغی دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - بلی این لایحه یکی از ارایع مفیدی است که وزارت مالبه موافقت کرده است که با بلدیه ها یک ساعدهتی بشود در صورتیکه خود وزارت مالبه حاضر باشد که از وسائط نقلیه بلدیه ها که بایست عوایدشان صرف تعمیر و نظیف و توبر شهر ها بشود مالیات نگردد دیگر ما بایست مخالفت نکنیم برای اینکه هر کس که ممکن باشد بلدیه ها شومصرف خود آن محل میشود و صرف تعمیر میشود اینکه آغی مؤید فرمودند که اگر این پول گرفته شده باشد چه باید بشود چون این لایحه را قبل از ۱۳۱۱ آورده اند این پول گرفته نشده و هنوز موقوف بنظره مجلس است که اگر این لایحه تصویب شود آن پول گرفته نمی شود و اگر تصویب نند گرفته میشود و منافعی هم با قانون محاسبات عمومی ندارد و اما موضوعی را که آغی دیبا فرمودند بنده هم در شور اول این را عرض کردم و یک پیشنهادی هم داده بودم بکیسیون که این بایست تصریح شود که این مال تمام بلدیه ها است که باید گفته شود بلدیه ها با بلدیه مرکز و ایالات و ولایات این قدمت باید روشن شود که مجلس هم که رأی میدهد منظور شد بلدیه خاصی نیست منظور اینست که تمام وسائط نقلیه بلدیه های مرکز و ولایات معاف باشد.

درسی - آغی اورنگ

**اورنگ**

برای صحبت داشتن دو عنوان بیشتر نیست در الحرف یک لایحه بایاید بعنوان مخالفت صحبت داشت با بعنوان موافقت بنده برای اینکه در این موضوع سخن دیگر داشتم موقع را مفقوت شدم که در خصوص بلدیه یک تذکراتی دادم باشم و عنوان مخالفت با لایحه را بخورد

بگذارم و بندهم برای اینکه بتوانم در این موضوع سبق داشته باشم با اساس این لایحه بنده موافقت و زبانی در این موضوع نمی بینم که وسائل تقابله بلبده های تمام مملکت از عوارض معاف باشد بجهت اینکه فرق بینکند ملک مستوف است بلبده بایستی يك معارضه جی کرده باشد برای تطبیق و تنویر شهر و آبیاری خانه ها و پاك کردن خیابان ها و هر چه که متعلق ببلبده است البته برای خاطر ایمنی معارضه لازم داشته بكونفوق لایحه آورده بده مجلس شورای ملی

و ما تصویب کردیم که يك عوارضی بلك نسبتاً هبیه معین از چیزها بلبده بگیرد با آن قانون هم بلبده مستوف است میگردد حالا فرض بفرمائید که از ارباب وسائل تقابله فرض کنید سالی پنج هزار تومان باید بلبده بدهد بمالیه اگر این پنج هزار تومان بمالیه مملکت ندهد باز صرف تطبیق تنویر شهر میشود پس زبان کلی ما نکرده ایم بلکه متمم کلی کرده ایم این چیزی نیست که ما درش بحث کرده باشیم چیزی را که من میخواستم از این موضوع استفاده کرده عرض کنم مسئله درختهای این شهر است آقایان يك قدری دقت بفرمائید فعلاً شما را وامیدارم که بگذردی وقت بیشتری کرده باشد الان در این فصل ملاحظه میفرمائید در تمام خیابانهای این شهر که عوارض میفرمائید بنا کنید بپودرچه ندارد و طوری خیابانها کرم است که حتماً دارد چون وسائل کرم شدن بدو سه مقدمه الان در این شهر موجود است اولاً اینکه تمام آبینه مفتشان با آهن پوشیده شده است و این مقدمه خیلی مؤثر حادثی است برای تدارک کرمها با آفتان نگهداری کرمها و دیگر اینکه کرمها سابق بر این تنگ بوده و سعی نداشتند سایه دو دیوار مجاور بیفتد روز ممبراً خنك نگاه میداشتند این را هم بر حسب مقتضیات و احتیاجات آمدیم و کوچه های تنگ را هم هم قبول کردیم عرضش شود وسیع تر شود فرستاد میفرمائید يك کرمچه که پنج ذرع بود آمدیم در نتیجه احتیاج این پنج ذرع را پنج ذرع عرض کردیم پس برای دیوارهای مجاور بلبده این را ندارند که بلك عرض چهل ذراع سایه

بندازند پس تمام روز این کوچه آفتاب است سابقاً درختها داشت که بواسطه سایه درختها هم کبیه آن کوچه و هم عابرین راحت بودند تمام آن درختها هم قطع شده اگر بلبده بگوید من در نتیجه رسمت دادن بهم اجازه دارم که درخت هارا قطع کرده باشم این سخنی صحیح است و قابل قبول است البته حق داشته است که قطع بکند و منقلاً کوچه هارا سازند بیاد و رو هارا بسازد حالا يك جا که ساخته شد اگر ساکنین طرفین آن جا را بخراند درخت بنشانند و بلبده بخراده مامت کند این دیگر منقول ندارد فرض بفرمائید خیابان چراغ برق مدها سال است ساخته شده با اندازه کافی هم وسعت پیدا کرده است حالا اگر ساکنین چراغ کلزی بخواهند در اطراف خیابانها بیاده روها درخت بنشانند و بلبده بخواهد مامت کند این دیگر منقول ندارد با عرضطور خیابان شاهپور و سایر خیابانهای دیگری که ساخته شده بنده مقصودم این بود که در اطراف این لایحه بلك تذکری باولیای بلبده داده بشود بلك موهمی هم بنده با خودشان صحبت میکنم بگی از ارباب اولیای بلبده بمن اظهار دیگر که در درخت نمی زانم اگر اینکه عابرین این منظره زیبا و عمارت و آبینه فتنگرا تماشا کرده باشند این عین جوابی است که به بنده داده ( خنده نمائندگان ) این يك مطلبی است که باید در اطراف نظر کرد این چه مناسبت دارد در صورتیکه درخت اگر بماند آن عمارت و مناظر را زیباتر جلوه میدهد اگر زیباییات زیبارش می کند و بعلاوه از تمام این مقدمات ما احتیاج داریم به درخت ما ملکمان مملکت آفتاب است ما در این مملکت آفتاب زیاد داریم مایه و ساحلی و ماهی در آبها ایجاد کنیم که بوسله آن وسائل بتوانیم استراحت کرد باقیم الان در این میدان جلوی مجلس شورای ملی یا در خیابان شاه آباد عبور مثل عبور از میان آتش است (صحیح است) مایه تکر خودمان را نکرده باشیم اگر چهار نفر از ما وسائل قابل دارند و تندرست حرکت میکنند و بیرون قدم می زنند با آن اشخاصی که اتمیل دارند و قسمت غالب اهل آن مملکت را آن افراد تفنگباز

می دهند ما باید ملاحظه آنها را کرده باشیم این ملاحظه من بل دارم که آقایان موافقت کرده باشند که در این باب بلك تذکری به بلبده داده باشیم والا باصل لایحه بنده ایداً مخالفتی ندارم (نمائندگان - احست احست)

**رئیس - آقای ملک مدنی**  
**ملک مدنی - بنده عرضی ندارم**

**رئیس - آقای نوری**  
**نوری - موافقم**

**رئیس - به بنده بادآوری میشود که این لایحه را در دستور خارج کنیم برای اینکه پیشنهاداتی شده است که منخو وه دوست هیچکدام برای دفاع حاضر نیستند (صحنه خند)**

**A - شور و تصویب اجاره فروش املاک خالصه اطراف پل زهاب**

**رئیس - غریب بیون بود جرحه بی فروش املاک خالصه اطراف پل زهاب مطرح است**

**خبر کمیسیون:**  
 لایحه نمره ۹۲۷۷ دولت راجع با اجازه فروش املاک خالصه واقع در اطراف پل زهاب در کمیسیون بودجه با حضور آقای وزیر مالیه مورد شور و مطالعه واقع و بالاخره پیشنهاد مزبور مورد موافقت و اینک عین ماده و لایحه پیشنهادی برای تصویب مجلس مقسّم تقدیم می گردد

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه واقع در اطراف پل زهاب در کلا با قطعات جزء با رعایت قوانین مربوطه و با شرط اینکه خریداران مکلف باشند در ظرف مدتی که در موقع معامله یادوک مینخواهد شد کلیه ساختمانها و آبادیهای را که جهت ده زمین کردن طویان آن حدود آماده نمایند و وسائل تعیین را در دسترس ایشان بگذارند بفروش رسانند.

هرگاه از میان طویان مزبوره انفرادی حاضر بخیرداری قطعاتی از املاک مزبوره بنویند که بقدر کافی ماش خود و خانواده آنها باشد و از میزان بنده افشان دو بخت کار تجاوز نشاید وزارت مالیه مجاز است

بر حسب تقوی و بدون رعایت اصول مزایده فعله مطابق را بدو طلب بفروشد و قیمت آنرا بقدا با برقیفه خود ملک اشهیلا کلا در یافت نماید.

**رئیس - آقای دبیا**  
**دبیا - این لایحه حقیقه یکی از بهترین لایحه ای است که تقدیم مجلس شده دولت از مدنی بااینطرف معقول است میبخواهد اهلان را نخته قاپور کند بقدره بنده این مسئله بلك خدمت بر جسته است کلا از طرف دولت بملکیت می شود اهلان باید کلیه متدرجا نخته قاپور شوند و مستوف کسب و زراعت و فلاحت بشوند و ضمناً هم خودشان قاپده بپرند وهم از وجود آنها بملکت بلك قاپده برسد این است که بنده باین لایحه کمال موافقت را دارم ولی یک اشکالی داشته که از آقای معاون تصویب نامه توضیحی بخواهم که در این املاک کی بلبده تصویب می شود که دولت بفروش برساند و اهلان را باورند آبجا بنشاندند در این املاک فعلاً بدهی است که يك ذراعینی موجود میباشند که در آبجا بلك علاقه رعیتی دارند در این لایحه ما فعلاً مکلف میکنم خریدار را که همینکه این ملک را خرید ایلان را باورند و برای آنها خانه تهیه کند و وسائل رعیتی برای آنها تهیه کند ممکن است شخصی که خریدار است آلفوت مستعداً با این قانون و مستعداً با این شرطی که با دولت کرده که باید اهلان را باورند بخواهد مزاحم آن ذراعین نبود بدون اینکه علاقه آنها را بخزند و پولی بپرداز بدهند و رعیت را کرج بدهند و این پیفیده بنده صحیح نیست این داخواست آقای معاون وزارت مالیه توضیح بدهد که تکلیف آن رعایانی که امروز آبجا هستند و مستوف زراعت هستند تکلیف آنها بدواز تصویب این لایحه چه خواهد شد.**

**معاون وزارت مالیه (آقای سبحان) - این املاکی را که در نظر دارند املاکی هستند که باید آباد شوند و رعیت هم کم نیستند و بقدر کفایت ندارند پس مقصود دولت این نیست که رعایانی که فعلاً در آبجاها کار میکنند آنها را خارج بکنند بلکه میبخواهند آبجا را آباد کنند یعنی قنات های جدید احداث کنند. پانهر های جدید از رودخانه ها بکشند و امکان جدید برای آنها بسازند**

و ایلات را هم باها اضافه کنند البته در نفعیات ملکی اگر يك رعیتی مالك زيادى را مصلحت نگاه داشته است باندازه كه ميتواند زراعت كند به او ملك ميدهند و اين برای اين است كه رعيت كم است و ملك زياد است.

**اورنگ** - بنده از آموختن اين لايحه بيجلس شورای ملی خيلي فخر ميكنم و موقع را براي ابراز نيت دربرين خودم خيلي مناسب و مساعد مي بينم حاصل اين لايحه اين است البته خاطر محترم آقا پيرت بهوش از من مسوق است كه قسمتي از املاك خالصه واكفائير ميشود به قسمتي از مردم صحرا كرد چادر نشين كه آنها بيابند اين املاك را ملك بشوند و آباد كنند و زندگاني در دهات كرده باشند بنده از دير باني يعني از سايلان املاك با نظرفرمانده اين است كه بگفتند كه خرابي املاك در داخله حكومت براي اين است كه دولت بعنوان خالصه حكومت داراي علاق و ملك است و براي اثبات اين دعوي خودم براي اين زيادي دارم مدني در ماليه روي همين موضوع مقدمه بنده خدمت داشتم و آنجا اظهار عقيدتم خودم را كرده ام گوييها كرده ام و دوسيه ها در باب اين عقيدم بنده در آنجا موجود است كه يك املاك را دولت بعنوان خالصه مالك است و ميتواند عمل كند و حاصل از آن املاك بر مردم كه در خود ولايت آن ملك باشد راس دولت و دست دولت كه روي آن ملك است خرابي روي آن ملك است بجهت اينكه دولت اينكاره نيست اين پيشه نيست يك كسي خوب حرفسي ميزد ميگفت در املاك ايران كه عبور ميكنند سه رقم ملك مي بينند بدون اينكه از كسي سؤال كنند ميديادند اين ملك چيست و مال كهست بك قسمتي از املاك را مي بينند كه فوق العاده آباد است بايد بديانند كه خودم مالك است بايد بديانند كه اين ملك هر چه ريش متعلق بيك خانوار و عاقله است بگفتند از املاك را مي بينند كه در درجه دوم است از آبادي نسبت باولي وقتي كه

اورا ديديد بايد بديانند كه مالك دارد و هم مالك است قسمت سوم كه در درجه سوم آبادي است نسبت با املاك اولي و در درجه دوم است نسبت بدومي بايد بديانند كه اين ده جيس است در حقيقت نامه مردمانى كه اين ده مخصوص جيس است قاعدت پنجوا سال حدسال سال و دليل خرابييش از اين است قسمت چهارم را وقتي كه از دور ديديد مي بينيد خرابتر است سايرين است براي اين است كه اين ملك وقت است يعني وقت حضرت سيدالشهدا (ع) يا حضرت امام رضا (ع) و متعلق با مردم بوده است قسمت پنجم را وقتي از دور ملاحظه كنيد اثر آبادي در او نمي بينيد و الا حظه مي فرمايد كه دود خرابي چشم مهر و ماه را كور كرده بايد بديانند كه اينجا خانه است و متعلق بدولت است و يك علاوه هم دارد يك اضافه هم دارد آقا بيان آن اضافه چيست اضافه اين است كه اين ده خالصه مربوط بدولت يا اينكه خودي خراب دهات آن باير است ارشيش كشت شده است آفتاب در اطراف آن ده چشمه هايتي از ظلم سرازير است و آن دهات مجاور و همساكنان اطرافش را دام ميوزند و هم كسي ميتواند در اطراف ملك خالصه ملك داشته باشد افتاد كنديد آقا بيان دولت ظلم ميكنند من كه رعيت هستم و در ملك خالصه نشسته ام بعنوان اينكه من رعيت ملكي هستم كه آن ملك متعلق بدولت است من هزار رشتن ظلم ميكنم كه بيكش را دولت خير ندارد معني اين بيان من اين نيست كه دولت نسبت بسا كنين اطراف ملك خالصه ظلم ميكنند خير ساكنين قرام خالصه از بيكطرف ظلم در باب خودشان ميكنند و مال الاجاره دولت را بعنوان متعلق ميخورند و اسم خود را در ويكشته ميگذارند و از اين ميديانند يك قسم قديمي در اين ملك خالصه ميكنند همساكن خود را آزاد ميكنند بنام دولت و متعلق بود در ماليه كه بنده خرابي ميكنند آقا بيان ما ميديانيم كه مطلب اينطور است ليكن ما اگر بخواهيم املاك خالصه را بفروشي سراسيم و مردم بخريدند اگر بگيائيم در طهران قسيمي شود و ما از خودمان كندم نداشته باشيم آفتاب اورنگ كه مالك ملك است كندم شرا

بيديان اعلی خواهد فروخت ولی وقت که مالک داشته باشیم و کتیم داشته باشيم ديگر نمیتواند ابتدا اورنگ آدم در سال قسيمي كندم داشته باشد اين معني را دوره اعليحضرت بهاري بمحمدالله باطل كرده و از ريشه زد ديگر اين معني در دوره اقتدار اعليحضرت بهاري معني ندارد ديگر كسي بايد نفوذ كند باين مسئله كه اگر قسيمي شده چه ميكنيم اگر قسيمي شد همين كار را ميكنيم كه حالا ميكنيم سراسر ملكت اين اقتدار نفوذ پيدا كرده است و محمدالله ملكت يك كاه و يك خانه شده است حالا ديگر آن اقتدار ها موجود نيست كه من بتوانم شتكر باشم و چنين را جمع كنم و گران بروشم پس اين دهات خالصه را دولت هم ميغاهد و مسوق است كه نگاهداري اين املاك جز خرابي براي خود اين املاك و براي دهات مجاور قابله ديگري ندارد و چي را لايحه آن نمي آيد مجلسي و بايقاد خود بنده اين املاك خالصه يك عده متولي دارد اين دسته متولي غيراقتداري يك عده اعزاء ماليه كه سا متولي ها نمي كند و همي كه در اين امتامزاده بنشسته خود اين امتامزاده براي ما هميچي دارد مادام كه خون در مروق ما در چشمت است ما زير اين بازمي رويم كه املاك خالصه فروخته شود و آباد شود هزار دليل نامشروع آن عضو كوچك ماليه ميترانند براي بقاء اين املاك و براي بقاء رياست خودي در اين املاك بنده از اين لايحه استفاده كردم و بطور تفصيل و توضيح دولت را متذكر ميكنم كه هر روزي كه اقدام بفروشي خالصه بشود در ايران همان روز اقدام شده است باياد شدن لك اراضي ايران الحده الان يك وسائل ديگري هم براي اين كار موجود شده است لايحه كه در چند جلسه قبل از مجلس كندش كه آفسي قرام الملك املاكش در شراز بايد تبديل شود با املاك خالصه اين ايقتناس است كه من سه تاصولت هم فرستادم كه بنا بر اين مقدمه راه فروختن املاك خالصه و دادن دست مردم ميشود كه بيابند آبادي كندش قناتش بپوشش زمينش بالاي بايانش آباد ميشود دولت هم

عابدش بيشر ميشود و هم دولت از خرابي نجات پيدا ميكند اين بود كه حالا موقع را بمنتقم شردم براي اين نكرد و الا در اصل لايحه كامل مواقت دارم.

**اسلي** - بايد واكفاز كنند  
**اورنگ** - بخواست حق  
**رئيس** - آفسي اغيار  
**اعتبار** - بنده رعيتي ندارم مواقت  
**اورنگ** - مواقت  
**رئيس** - آفسي مالك  
**ملك مجلي** - مواقت  
**اورنگ** - اي والله  
**رئيس** - آفسي نفوق  
**نفوق** - بنده هم با اين لايحه مواقتم و بسيار لايحه خودي است البته فكر دولت هم قابل تصديق است كه بالاخره ايلات خانه بدوش را نفع قابو ميكنند ولي بنده يك تذكري ميخواهم عرض كنم يك قسمت از اين ايلات را آورده اند بقرزين و اينها بيجوج من از جوجه زيربار كار و رعيتي نميرونند بخاره اينها سرپرست ميخواهند فقط بيسرف اينكه ما اينها زمين بديهم و ملك ميديهم اينها بروند رعيتي كنند اين بقيده بنده كافي نيست بايد يك نامور مخصوصي در ده ايات باهر ولايتي كه اين ايلات باصلاح تقسيم ميشود سرپرستي اينها كسانته شود كه اينها وادار شوند بكار رعيتي بالاخره الا آن در قزوين اتسليم كرده اند كندخدا ميگويد يا برو خرمن بكوبم مي گويد بنده نمي توانم يا برو شخم بزن مي گويد نمي توانم يا برو آبياري كن ميگويد بنده ميتوانم بالاخره بنت او بايگنايد نخواييد است كه كار رعيتي بكند و تا يك دهنه اينها سرپرست نداشته باشند كه وادار بگزارشان بكند اينها عادت بكار رعيتي نمي كند و كار كنن ميشوند بنده اين را ميخواهم تذكر بديهم كه بالاخره براي هر جا كه اين ايلات را مي آورند يك نفر سرپرست براي آنها مين كند كه درهر جايي كه اين عازا مي رود وادار بكار كند.

ولیس - آقای برادرزهی ...  
 پروچر دی - البته آوردن این لایحه از طرف دولت قابل کمال تشجیع است و بهتر از آوردن دویز است که لایحه فروش کل خالصجات را میسر آورد (و است که صبح است) حقیقتاً آرزوی پایه بان ملک تبریک کت.  
 عرضی که بنده داشتم و مطرح شد که خواستم عرض کنم این بود که دولت جهت قاپو کردن ایلات کرمانشاه ایلات کرمانشاه را می فرود دای بر اینکه تمام ایلات خرم آباد را خالصه اختصاص داده است چیست و حتی مالکین ایلات خرم آباد که در املاک دویز است چهار سال است معامله کرده اند معامله ملکی کرده اند و پداین دو سال آمده اند این ملک را تمیم و عمران کرده اند و قیلاً و بیلاً مسامت کرده اند نمی دانم علی این که تمام ایلات خرم آباد خالصه شده است از چه جهت است؟

**معاون وزارت مالیه** - راجع به ...  
 فرمودند بنده تصور میکنم که تصدیق مینمایند که این راجع بحالیه نسبت راجع به پختی قبل است برای اینکه خالصجات آنطوریکه فرمودند همه جا خراب نیست و همه جا هم این در پشتهای ظلم از اطراف جاری نیست خالصجات اطراف طهران با جاهای که همیشه بدسترس دولت بودم آنجا همیشه آباد بوده است و خیلی هم مراقبت در حفظ آنها شده البته بدوایلی هم که سابقاً اینها بدسترس دولت نبوده موفق نمی شدم خالصجات را آباد کند در آن هم زردی نیست نه تنها املاک دولت در آنجا آباد نیستند است املاک مردم در آن حدود خراب بوده است که حالا شروع عمران و آبادی کرده است حالا اینها خودکف که مأمورین مالیه آژاد را برای خودشان بول فرار داده اند نیز این املاک خالصه تماماً با بهره داده می شود غلظت مگر جاهای که دولت خیلی احتیاج داشته باشد احتیاجات دولتی باشد اجازه ندهد و ایلات آنجا را با اجازه واکذا کرده اند روسی وولای مزایده و آنها و هیچ به پول مأمورین نمی گذارند و الاز مقتضی نبوده است که خالصجات را تمام فرودند آن را هم عتسش را در دو قسمتی ممکن است با اطلاع آقایان

برسان (اورنگ - عمل دا بنده عرض کردم) اما راجع بخت قاپو کردن ایلات که مینمایند دو این لایحه کتبه شده برعکس فرودند با مالکی که املاک دارند بخرند بخواهند بخود رعایا یا همان افراد ایل بدهند با اطلاع اینکه مالکین خود آن املاک حاضر شوند با مالکین شرابلی آنها را بیزند خانه بر ایشان سازند تحت قاپو کنند این ترتیب با آن اشخاص فرورخته خود خالصت خراب کرد و اگر اظهار فرمودند این ملک موضوعی است که دولت از برایش مرجمی نمین کرده و اگر اشکالی دارند و بلا جایی که خالصه نیست دعوی خالصگی برش می شود به اینجا شکایت مینمایند البته اصلاح می شود.  
**پروچر دی** - درست میفرمایند دو سال است دولت مرجع شکایت میکند جواب نمیدهد.  
**ولیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - موضوع خالصجات که موضوعی است که راجع به آن دولت فرمودند لکن چون دولت فرمایند که آقای سیاح فرمودند بنده بان استدعای ایشان میکنم مخصوصاً الا آن که تشریف می برند وزارت مالیه استدعا میکنم در اداره عایدات دویسه املاک ضعیفی را بخواهد (اورنگ - املاک ارباب جمعی) اسم نبردم دویسه املاکی را که دولت ضبط کرده و بنده اسم اول عایدات را چه بوده اسم ما هفتتن چه شده است این ملک دویسه حسنی است بر اینکه مأمورین دولت نمی توانند ملاقات کنند بنده هم معتقد بودم که آقای اورنگ فرمودند عقیده دارم که دولت تعصیر ندارد (اورنگ - هیچ البته هیئت دولت و وزیر مالیه و معاون و رؤساء دوائر مرکزی همچنان مصروف این است که آن خالصه آباد شود اما فلان مأمور دویسه ملک یا دورا رئیس خالصجات سربان میکند چهل و پنج هزار خروار هم عایدات آنجا است حالا می خواهد این برود ملک برانان اداره کند البته نمی تواند و املاک را خراب میکند بنده اطلاع دارم ملکی را دولت ضبط کرده است از شخصی بطرف آنکه بدی دارد سال اولی که ضبط کرده دوازده تومان عایداتش بودم سال دهم که واکذا کرده اند هزار و

دوشت تومان عایداتش بوده این دلیل خیلی حسنی است اما فرمودند اجازه میدهیم همین عیب بزرگ است که املاک خراب است اجازه میدهیم دو ساله بیه سالیه به آن زبانی که خود حضراتی مبدانند بنده هم میدانم در وزارت مالیه مینمایند بزمایه اجازه میدهیم بنده هم فرمودم بدم بزمایه است اجازه مزایه بجای اطلاع میدادم عرض کنم که در این مزایه ها چه ترتیبی است در صورت وارد موضوع بشویم عقیده بنده این است که خیلی بدیجی است و محتاج نیست که بنده در این موضوع در این ملک جوائی عرض کرده باشم اینکه فرمودند شوکت شنیدم که املاک آقای قوام تبدیل شد بدست (اورنگ - فوئدم) چرا ملک اینکه خالصجات اطراف طهران باز تحت نظرشان است حالا آنها خالصه شد و از نظر مرکز دور است افتاد دست همان اشخاص حالا انبساط میدادیم که دولت بنگ نظر کلی برای خالصجات بگذرد که این عیبی که ما میدانیم و وزارت مالیه بینه بکار ما میدانم این عیب مرتفع شود اما راجع باین لایحه نقل از اینکه بنده در اطراف لایحه دقت کرده باشم این طور فوئدم بودم که عرض از این لایحه این است که ایلاتی را تحت قاپو میکند و این اراضی و املاک را بدینده و با آنها به هم چه تصور میکردم و حقیقتاً دیدم مگر خیلی عالی است که قسمت ایلاتی که املحه دستشان دوده است تا بحال و خرابیهای میکردند بدسترس آن ملک و اهرشان از تکلیفاتی می بایستی بگذرد امروز که املحه از دستشان گرفته شده است و بکار شده اند البته هیچ از این بهتر نیست که دولت مالک و اسباب ذرات و پولها بدهد و آنها مسئول ذرات و آزادی بشوند لکن در این لایحه بنده در ملک قدری ترس گرفت حقیقت عرض میکنم این بود که لازم دانستم اینجا عرض کنم و آقای معاون خیلی توضیحی بدهند و آن این است که فردا ایلات بزرگی این ملک خراب خواهد بود ملک اینکه لایحه امینتر نوشته شده در دست دقت بفرمایم در عبارت لایحه (کللی - هیچکس این کار را نمی کند) چطور مزایاتش را میخواهد بوزان اثنان

بدم. وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه واقف بد اطراف این زهاب را کلاً (یعنی همه را) با قطعات جزا با رعایت قوانین مربوطه و بشرط اینکه خریداران متکلف باشند در نظر بدینی که در مواقع مایل با دولت مین خواهد شد کتبه ساختمانها و آبادیهای را که جهت هدفین کردن طوایف آن حدود آماده نمایند و وسایلی رعیتی را در دسترس ایشان بگذارند فروش برسان. خیرش اینجا می آید دولت این املاک را می فرود بدهد که بنده اینجا ابداً نمی کنم و آنها را بپوریم کار بدم این نظر بنده چیز خوبی نیست چرا ندهند بخودشان اراضی و باغات و زمین بدهند به آن آدم کلاه هم عین بکنند که آباد شود ملک همان بکنند که آقای اورنگ فرمودند شما بروید در دهات هر جا خورده مالک است آباد است هر جا مالک جزو دارد آباد است املاکی که دست بکفر آدم است دست قهره مالک دارد همه خراب است وقتی خورده مالک بیدار کند البته ایضا می شود ولی وقتی یکی از بفرودش ملک ملاتر بزرگ و شرایط هم باهش شبیه عبارت سازد بسیار خوب آنها را آورد اینجا رعیتی بکنند آنوقت همان خرابی که آقای توفیق زد آنها رعیتی نمیکند خوب چه بکنند من هم مالکی خریدارم از دولت پول هم داده ام این هم رعیتی نمی کند چکار کنم می روم رعایای دیگر می آورم پس آن چیزه که ما از این لایحه میخواهیم یعنی ایلات تحت قاپو شوند صاحب ملک و زمین بشوند و عیلاق را کند و آب و زمین او از این لایحه برسی آید.  
**ولیس** - آقای دکتر طاهری  
**دکتر طاهری** - من آن نظری که تمام آقایان دارند برای اینکه خالصجات فرورخته شود در این لایحه کلاً ناموس است آقای مؤید که وحشت کرده بودند از اینکه ممکن است این املاک بیک شخصی داده شود این جایی ندارد زیرا مقبوض از قرضی خالصجات است و بیست و یک بکارهای بدخاص مقبوض این است که صاحب پیدا کند که بنویسد آن املاک را آباد کند آن قسمتی را که اشاره فرمودید که خوب است بخود آنها داده شود در قسمت آخر لایحه همین هست که اگر خود این طوایف حاضر شدند که بختر

این املاک را بقدری که کفایت بکند و حاجتشان را دفع کند و اینکه از قدرت آبادیان زیاد تر نباشد که باز بلاباشد. بیژند البته پنهان داده میشود و در قسمت آخر لایحه تصویب شده اگر چنانچه آنها حاضر نباشند و کسی دیگر حاضر شده که استطاعت داشته باشد یا شرط اینکه بپردازند استفاده دولت و بناهایی برای ترفیق و سکونت زارعین - باز در این مابین املاک دربار پهن از این است که بوضع فعل که خودتان اشاره کرده است دست دولت است از عهد آبادی بر نیاید باشد پس این املاک که حالا خالص است بدایه اجازه داده میشود که بدو صورت عمل کنند یا اینکه بقطعات کوچک بطرفانی که میخواهند خاکشین شوند فروخته شود یا اینکه با اشخاصی که تمویذ بکنند که برای سکونت آن الوار خانه و لانه و آبآبی بسازند آهم خوب است در هر صورت هر دوش خوب است و نظر حضرتعالی هم تأمین است.

**ولیس** - حالا مذاکرات کافی است!

چسب از نمایندگان - کافی است.

**ولیس** - دو فقره پیشنهاد آقای دهستانی رسیده است:

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام متبحر ریاست دامت عظمیه  
تیسره ذیل را پیشنهاد میکند  
خریداران املاک خالصه متکلف خواهند بود که با زارع و ساکنین فعلی املاک مطابق معمول رفتار کرده و هرگونه حقوقی را که معمولاً دارا بوده اند کافی السابق منظور و معمول بدارند  
**ولیس** - بفرمایید.

**دهستانی** - چون در این لایحه نوشته شده است کلیه ساختمانها و آبادیها و ذکری از علاقه و آن معمولاً بی کسی است که مربوط بزار بین عملی بوده نکرده ممکن است کسی که آن املاک را خریداری میکند بکنی این رعیت را خارج کند و با یک رعیتی از طوایف بیابورد در اینجا سکون بدهد این است که بنده پیشنهاد کردم حقوق و معمولاتی که راجع

چه فرق میکند بزارعین خرده مالکین محلی هر دو طرفی باشند.  
**ولیس** - آقای اعتبار  
اعتبار - اینجا بیستی توجه کرد که اصلاً دولت برای چه این لایحه را آورده نظر دولت از فروش این خالصجات این بوده که اولاً این خالصجات آباد شود در درجه اول و بعد هم ایالات و طوایفی که تا بحال زیر چادرها زندگی میکردند اند بیابند و آنها هم رعیتی بکنند ولی اگر ما بخوایم باین کیفیت که در واقع میشود گفت بدست پنی دو چفت کادو را بخرد و خود آن ملک را درهینه بگذارد و استمالها کند این پول را میدهد و استمالش هم معلوم نیست که تا چند سال هم را بپولها میدهد و اینهم البته خیلی خوب بوده و این رعایت را میبایستی دولت بکند برای اینکه اینها بتوانند بخردند و دارای ملک و آبآبی بشوند و از صحرا اگر بی آسوده و خلاص شوند و بالاخره آن منظور اصلی که امنیت عمومی مملکت است بعمل آمده باشد و اگر بخواهند همه را به رعایا بفروشند و همان رعیت بی بومی بخردند و پولش را هم استمالاً بدهند یعنی در هر سال پنجاه تومانش را بدهند بالاخره تمام میشود ولی آن منظور بعمل نیامده و بالاخره مقصودی را که در اول آن تحت قاپو بکشدن طوایف در نظر دارد بعمل نی آید و باین جهت این پیشنهاد آقای دهستانی هیچ موردی ندارد.

**دهستانی** - بنده مسرتدم میارم.  
**ولیس** - پیشنهاد دیگر آقای دهستانی.  
بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده اشاره شود: زارعین عمل املاک خالصه در خریداری املاک مقدم خواهند بود  
**ولیس** - بفرمایید.  
**دهستانی** - بنا بر مایش آقای اعتبار بنده متقاعد شدم و پیشنهاد خود را مسرتدم میدارم.  
**ولیس** - پیشنهاد آقای طهرانی رسیده است.  
**طهرانی** - مدونوش همین است ولی بنده پس نمیکرم اجازت بفرمایم عرض دارم.  
**ولیس** - میخواهند.

پیشنهاد میکنم تیسره ذیل بماده واحده اضافه شود: رعایا وزارتاری که در دودجات و قراء مزبور فعلاً مشغول زراعت و رعیتی میباشد در موقع فروغ قروض املاک در خرید ملک باشرایطی که دولت میکند مقدم میباشد.  
**ولیس** - بفرمایید.  
**طهرانی** - عرض کنم البته شنبه ندارد که در ندیم این لایحه دولت يك نظرش این است که طوایف و رعیت را تحت قاپو کند همه هم موافقت و کسی هم نظری ندارد ولی در عین حال ما نباید قانون را طوری تصویب کنیم که این سبب شود که يك دسته بر فرض مشغول بپوشند و يك دسته دیگر همان رویه سابقه را پیش بگیرند مثلاً یکدسته فعلاً در يك املاکی مشغول زراعت هستند و عمل رعیتی را انجام میدهند و زحمت میکنند و اوقتی که قانوناً بدون اینکه تذکری داده شود و بدون اینکه منظور مافی شود تصویب کردیم منتهی این است که آن دعوت و قراء خالصه که فعلاً میخواهند طوایف را در آنجا سکونت بدهند هر کس در آنجا مشغول زراعت و عملی است چون فکام ملک دولت است حق دارد آن رعیت را بخرد کند نهایت اینکه میگوید: یا زراعت را بده پولش را بگیر این ضرر دارد برای این که شما هنوز داخل در عمل نشده اید و نمیدانید که این رعایایی که میخواهند بجای زارعین بیابند زراعت کنند واقعاً کسانی هستند که میآیند و عمل زارع و انجام میدهند یا نه این را امتحان نکرده اید تازه می خواهید يك اشخاصی و يك طوایفی بیابورید در يك قراء و املاکی بنشینید و يك املاکی را با يك شرایطی بآنها بدهید که آنها زراعت بکنند ولی دست بکدهم را که فعلاً زارع هستند و مشغول زحمت هستند کوتاه کردن غلط است. بنده تصور میکنم این پیشنهادی که بنده کردم این است که با رعیتی که در آنجا ها ساکن هستند و مشغول زراعت می باشند چون دو قسم میکنند که در آنجا این قراء و قصبات یعنی خوش زمین هستند و بعضی زراعت میکنند بنده خوش زمین هارا عرض نمیکند خوش زمینها عبارت از بیکارهایی هستند که در آنجا ها سکونت دارند و شاید



کافی و بعضی گویا می‌کنند آنچه این کبک زارع است و پهل زراعت مشغول است او بخیرد ملک مدام است یک چغ کافر فرض پنهانید و پنج جریب زمین آهم حکم طایفه را دارد حکم همان را دارد که شما میخواستید او را نخت قاپو کنید برای اینکه شما وقتی این زراعت را از سر گرفته‌اید و او را خرایی کرده‌اید این هم چکم همان آدم سراجر اگر در پندایکند ازان جهت پند این پشهباد را کرده

رئیس - آقای ملک مدنی.

**پهلک هلالی** - عرض کنم که این پشهبادی که آقای طهرانی فرمودند از نظر بدوی البته درست است ولی اگر دقت فرمایید دجات خالصه میبوسد دجات خالصه در مبادورت ابلات و عشار هست آنها قدر کافی رعیت ندارد و مباحظوریکه آقای معاون وزارت مالیه هم توضیح دادند مقصود از آوردن این لایحه این نیست که املاک دولت را به زارعین و مسالکین محلی بفروشد بلکه دولت از نقطه نظر سیاست عبوی مملکت است که میخواستند تخت قاپو کند عشار مملکت را زیرا اگر آنها تخت قاپو شدند و دارای یک آب و زمین شدند علاقه پیدا میکنند و بالاخره اگر یک انگاری دارند آن فکر ها از دماغشان خارج میبورد و پند صورت لینکتم که به زارع هم نصیبی شود برای اینکه هر دوی که شما تصور میفرمایید دو خالصه اگر یک دوی نقش بیست و چهار جفت کاس است اگر بیست و چهار جفت دیگر هم در آنجا اضافه کنند تا چهل و هفت جفت میزبانند زراعت کنند برای اینکه اصولا تمام دجات ایران بقدر کافی زارع ندارد این یک موضوعی است تمام دجات خالصه دولت که بخار و عشار است غالباً خود آنها در موقع پاییز می آیند زراعت میکنند و میروند در بیلاق و در بهار می آیند زراعتشان راجع میکنند این طرز عملی است که آنها معمول میباشند اند این هیچ چی دیگری نیست که با این لایحه را باین ترتیب بگذرانند نظر ما این نیست که لایحه بگذرانیم که به زارعین و مسالکین آنها یک مالک فروخته شود اصولاً مباحظور که آقایان تذکر دادند پند

پند در هکده ما است خوب این رعیت ها شما که پند دولت را میفرشید می‌توانند این رعیت ها را خارج کنند از محل و بگویند توپاد خراج بشوی از محل و یک رعیت دیگری قائم تمام توکیم این زراعت تکذیب کردند پی مقصود ما این نیست که اگر یک جملی یک رعیت دارد ما رعیتش را خارج کنیم. اینکه آقای ملک فرمایند که هر عملی با اداره سفتی رعیت ندارد صحیح ولی اگر یک عملی با اندازه سفتی رعیت داشت چه باید کرد؟ باید تمام رعیتش را خارج کرد و بجای آنها از ابلات آورد و نشانید برای تخت قاپو؟ فرض کنید سفتی چهل و هفت فرد است بیست و هفت فرض مال است و بیست و هشت فردش دایر نیست در آن پست و هشت فردش می‌آیند در پست و هشت فرد دیگری نیست؟ آنچه این است که آقای طهرانی و آقای دهستانی پیشنهاد کردند میخواستیم به زمین شما بخواهید حق رعیتی را امروز در محل خالصه از رعیت سلب کنید این یک حرفی است تصحیح فرمایید پند هم مواظف برای سلاح دولت و برای اینکه افراد ایل را بخواهند تخت قاپو کنند این را پند عرضی ندارم هر رعیتی حق رضائی دارد از سر بخردن و از آنجا خارجش کند این یک رعیت است ولی باید مریضا در این لایحه پذیرد و اگر مریضان این نیست که رعیت را خارجش کنید پس پشهباد آقای طهرانی و آقای دهستانی و آراد و صحبت‌هایی که کردند وارد است و این لایحه نظر پند این منظور دولت را پهل نمی‌آورد.

رئیس - آقای دکتر طهرانی

**دکتر طهرانی** - در لایحه دولت و خبرکیسیون چیزی نیست که رعیت را از ملک بیرون کند یا نکند همچو چیزی نیست اسلا این پیشنهادات ایجاد میکند این توجهات را این ملک می‌شود مثل سایر املاک هر طوری که سایر املاک و سایر مالکین نسبت به سناجرین وقت بیزارعین می‌توانند عمل بکنند آنها هم همینطور می‌شود چیز تازه نیست مباحظور که سایر مالکین نسبت بیزارعین رفتار بکنند حالاهم در این املاک خالصه مباحظور عمل

میکنند (بیکر از نمایندگان رعیت تکذیبش چیست؟) رعیت مباحظور که در سابق زندگی میکرد اگر حقی داشته باشد میبندد اگر رضائی میکند یا مالک آنجا هست اگر نمی‌کنند می‌رود جای دیگر مباحظور که سایر املاک رفتار بکنند آنها هم همان کار را میکنند در سایر املاک چکار میکند رعیت یا مالک مباحظور که رعیت در سایر املاک رفتار میکند با ارباب اگر خانه دارد علاوه دارد مال خودش است و البته پشهباد شما هیچ وجوبی ندارد این است که چون نظریه آقای توفیق تأمین است خوبست پشهبادشان را مسترد فرمایند زیرا اسلا موقفی ندارد مگر کسی مجبوراً بیکد رعیت را که بیرون رود.

رئیس - آقای بکه پشهباد آقای توفیق را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند (عدم قیام نمودن) قابل توجه نشد. باز آقای دهستانی پشهبادی کرده‌اند.

پشهباد آقای دهستانی؛

پشهباد بیکم در آخر ماده اضافه شود که در موقع فروش املاک بخشاش و افراد غیر از طوایف زارعین و اهالی محل یا تعدادی وقت حق تقدم خواهد داشت.

رئیس - بفرمایید

**دهستانی** - عرض کنم آقای اعتبار یک فرمایشاتی فرمودند و پند متقاعد شدم که اگر البته هر کدام از افراد و طوایف یک جفت کار به آنها بفرستند و بدهند مزاحمت است و در این لایحه می‌بینم که نوشته می‌شود ولادات اولیه بسیاری جفت و بفراد جفت و کارد و بیشتر فرشته پند پشهباد کردم در دجه اول طوایف هر چند مباحظور بفروشد ولی در دجه دوم که بسیارین مباحظور بفروشد اهالی و زارعین محلی حق تقدم دارند باشند باهمد همان شرایطی که وزارت مالیه در اینجا نوشته است

**معاون وزارت مالیه** - اولاً غالب این طوایف خودشان یک دارالی و استقامتی ندارند که بتوانند این املاک را بخیرند و آباد کنند زارعین هم همینطور پس ناچار بایستی یک اشخاصی خریداری بکنند یا یک شرایطی

که همین شده که با آن شرایط ملاحظه حقوق رعیت و اینها خواهد شد و آن مختار جی که لازم است بگذرد که افراد بتوانند اگر در میان زارعین اشخاصی باشد مثل سایرین هیچ لزومی ندارد که اسم بهیچ ما ننکنند بیک اشخاصی غیر زارع میخواهم فروشیم زارع باشد املاک باشد هر کسی میخواهد باشد وقتی که آن شرایط را نهد کرد و حاضر شد آن نهادت را بگذرد آن شرایط را انجام کند البته پیش خواهد فروخت و حق قدم دیگر لزومی نخواهد داشت (صحیح است)

بیکتر از نماندگان... پس گرفتند

دهتالی - عرض کنم همانطوری که فرمودند قبول کردند و مانی ندارد پیشگاه بنده

رئیس - اقایانکه پیشنهاد آقای دهستانی را قابل توجه مبادت قیام فرمایند (چند تری قیام نمودند)

قابل توجه نقد. رأی می گیریم بماده واحد با ورقه و مواظبت ورقه سفید خواهد داد.

(اختیار استخراج آراء بعد آمدن مقدار ورقه سفید مبادتند)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۹۴

رئیس - آقای معاون وزارت مالیه

معاون وزارت مالیه - دو لایحه است یکی برای

ممانعت از حقوق گمرک و عوارض راه قیامهای

سینما گراف که جنبه تربیتی و تعلیمی دارد تانها شده

است که از حقوق گمرکی ممانعت شود و این لایحه دیگری

هم هست برای اعتبار هفتاد هزار لیره که مزید شود

بر اعتبار سابقی که برای شرایخانه و طبع اسکاوس و

خرید ماشین آلات شرایخانه شده بود چون لیره تفرقی

کرده و ماشین آلات لازم بود وارد شود هفتاد هزار

تومان اینجا تانها شده است تقدیم می شود.

۹ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر موافقت میفرمایید جلسه را ختم کنیم

جلسه آینده پنجشنبه اول دهم تیر ماه سه ساعت قبل از

ظهر و دستور مواج موجوده؛

(مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

### قانون

اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد تعاون مالی

ماده واحد - مجلس شورای ملی قرارداد تعاون مالی مشتمل بر سی و شش ماده را که در تاریخ دوم اکتبر ۱۹۳۰ میلادی مطابق با دهم مهر ماه ۱۳۰۹ شمسی در ژنو باضام رسیده است تصویب و بدولت اجازه میدهد نسخه صحه شده آراء و دارالانشاء جامعه مال تسلیم نماید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه چهاردهم تیر ماه یک هزار و سیصد و یازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

### قانون

اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین المللی امداد اسانسانه اتحاد بین المللی امداد

ماده واحد - مجلس شورای ملی الحاق قسمی ایران را به قرارداد بین المللی امداد مشتمل بر بیست و یک ماده و همچنین به اسانسانه اتحاد بین المللی امداد مشتمل بر نوزده ماده در تاریخ دوازدهم ژوئیه ۱۹۲۲ میلادی مطابق با بیستم سرطان ۱۳۰۶ شمسی در ژنو به امضاء رسیده تصویب و بدولت اجازه میدهد اسناد مصدق آنها را به دارالانشاء جامعه مال تسلیم نماید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه چهاردهم تیر ماه یک هزار و سیصد و یازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

### قانون

اجازه الحاق دولت ایران به مقررات بین المللی راجع بتجدید ساخت و تنظیم توزیع ادویه مخدره

ماده واحد - مجلس شورای ملی قرارداد تجدید ساخت و تنظیم توزیع ادویه مخدره را مشتمل بر سی و چهار ماده بندهم به پروتکل امضا و سند اختتامیه که در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۲۱ مطابق با ۲۱ تیرماه ۱۳۱۰ شمسی در ژنو باضام رسیده است تصویب و بدولت اجازه میدهد اسناد صحه شده آراء و دارالانشاء جامعه مال تسلیم نماید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه چهاردهم تیر ماه یک هزار و سیصد و یازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

### قانون

اجازه فروش املاک خاصه واهده در اطراف پل زهاب برای ده نشین کردن طوایف آن حدود

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه واقعه در اطراف پل زهاب را کلاً یا بقسطها جزء با رعایت قوانین مربوطه و باشرط اینکه خریداران مکلف باشند در ظرف مدتی که در موقع معامله با دولت تعیین خواهد

۱۴ اساسی رأی دهندگان - آذربایجان - اوس - وهاب زاده - توحی - طباطبائی وکیل - اسر - علوی - سبزواری - طباطبائی بیا ماکتبان - ملک - مدنی - قبال - مصمص - سنک - محمدعلی میرزا دولتمانی - لاریجانی - طباطبائی - عظیم - رکنه - امینتارزاده - اعتبار - مودتقانی - دستاکی - کرمانی - شریفی - دروایی - بیات - ماکو - امیر ابراهیمی - تربیت - امیر عامری - جمشیدی - مژده - ملک زاده - آملی - هزار جری - دکتر انبیا - مزاری - جندی - میرزا دولتمانی - عیسی - ارشدی - چایچی - دهستانی - میرزا محمد حسین نوای - قناتار - امیر اعظم - امیر نیرو - کاررونی - لاریجانی - بوشاری - جیری - محمد تقیان اسعد - اسکندری - قنبدلیان - بهار - مغاندی - جمشیدی - وهابری - میرزا احمد آقا قلی - و سکندر شیخ - موسوی خراسانی - دکتر ملک زاده - فادور - هفتم - طهرانی - اسدی - اورالدستان - پریا - میرزا صادق خان آقبر - فزونی - غیر فرزند - اولی - اسدی - مدنی - نامری - میرزا احمد خان وکیل - افندی - طالش خان - دکتر سنگ - جیبی - قه الاطاسی.

شد کلیه ساختمانها و آبادی هائی را که بجهت ده نشین کردن طوایف آن حدود آماده نمائند و وسائل رعیتی را در دسترس ایشان بگذارند بفروش برساند.

هرگاه از میان طوایف مزبور افرادى حاضر بخریداری قطعاتى از املاك مزبور بشوند كه بقدر كفاف معاش خورد و خانواده آنها باشد و از میزان بندر ایشان دو چفت گاو تجاوز نماید وزارت مالیه مجاز است بر حسب تقویم و بدون رعایت اصول مزایده قطعه مطلوبه را بدار طلب بفروشد و قیمت آنرا تماماً یا بوثیقه خود مالك استهلاكاً دریافت نماید.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهار دهم تیر ماه ۱۳۰۰ تصویب و سید و یازده تصویب مجلس شورای مل رسیده است رئیس مجلس شورای ملی - دادگر